Konjunktiv 2 چیست ؟

written by مرتضی غلام نژاد | دسامبر 23, 2015

نکته مهم : این درس پیش نیاز سطح B1 می باشد.

زمانی در زبان آلمانی است که سرشار از رویا ، خیال ، حسرت و ... که ما بستگی به شرایط مختلف از آن استفاده میکنیم.
این زمان در فارسی به این شکل برای ما شناخته شده است ، ای کاش یک ماشین میداشتم.

همانطور که میدونید این حسرت و یا آرزو من هستش که هنوز به حقیقت پیوسته نشده.

اما در زبان آلمانی فعل جمله ما آمیخته با حسرت و رویا و ... میشه و یا به زبان ساده تر میرود به زمان Konjunktiv 2
مثلا فعل haben را در نظر بگیرید.

Ich habe das Auto
من آن ماشین را دارم.

حالا اگه بخواهم همین جمله رو به صورت حسرت و آرزو و ... بگم میشه

.Ich hätte gerne ein Auto
ای کاش یک ماشین میداشتم.

همانطور که می بینید haben تبدیل شد به hätten و این hätten یعنی داشتن هر چیزی با رویا و حسرت و چیزی که هنوز به واقعیت نپیوسته

حال کی و کجا باید از Konjunktiv 2 استفاده کنیم.

۱. وقتی که آرزو داشتن یا خواستن هر چیزی را داشته باشیم.

Er wäre gerne Olympiasieger
اون آرزو داره برنده المپیک بشه

پس فعلا در حد یک رویاست اما اگه حالا برنده المپیک بشه ، جمله ما اینجوری میشه :

Er ist Olympiasieger
اون برنده المپیک است.

پس فعل sein که در صرف سوم شخص می شود ist تبدیل میشه به wären که در صرف سوم شخص میشود wäre

یک نکته که اینجا جا داره گفته بشه این است که صرف افعال در Konjunktiv 2 به این صورت است که اول شخص مفرد یعنی (من) و سوم شخص مفرد یعنی (او) همیشه شبیه هم هستند.

Ich wäre بودن با حسرت و آرزو برای من
Er wäre بودن با حسرت و آرزو برای او مذکر
Sie wäre بودن یا حسرت و آرزو برای او مونث
Es wäre بودن یا حسرت و آرزو برای آن خنثی

توجه داشته باشید که معمولا جملاتی آرزوی در زمان Konjunktiv 2 با gerne , lieber , am liebsten نیز می توانند ترکیب شوند.

۲. در موقعیتی که سرشار از توهم و خیال باشد.

وقتی که من در توهمات خودم به یه سری چیزها فکر میکنم و بخواهم اونها رو بیان کنم اونوقت نیز باید از Konjunktiv 2 استفاده کنم.

مثال :

Wenn ich viel Geld hätte, wäre ich glücklich

آخ اگه پول زیادی داشتم ، اونوقت خوشبخت میشدم.

ای کاش پول زیادی می داشتم ، اونوقت خوشبخت می بودم.

چی می شد پول زیادی میداشتم، خوشبخت می بودما

خب همانطور که می بینید فعل haben و sein به حالت Konjunktiv 2 رفتن و شدن hätte , wäre البته در صرف اول شخص مفرد یعنی (من)

۳. وقتی امیدواری داریم به اتفاق افتادن یک خواسته از دیگران

برای مثال :

Entschuldigung, könnten Sie mir bitte helfen?
ببخشید ، می توانید خواهشا به من کمک کنید ؟

که در اینجا ما فعل کمکی können رو داریم که به زمان Konjunktiv 2 رفته و به könnten تبدیل شده.

نکته : هرگاه در جمله ما فعل کمکی داشته باشیم و بخواهیم در زمان Konjunktiv 2 بیانش کنیم ، آنگاه فقط فعل کمکی هستش که به Konjunktiv 2 میرود ولی فعل اصلی به همان حالت قبلی گفته میشه. که در مثال بالا helfen همان helfen باقی ماند. اما فعل کمکی können به könnten تغییر کرد.

۴. نصیحت و سرزنش کردن

یعنی وقتی بخواهیم کسی را نصیحت کنیم و به اون پند بدیم اونوقت می بایستی فعل جمله به Konjunktiv 2 برود

مانند :

من به شما میگم ، امروز خیلی خسته هستم و شما به شکل نصیحت یا سر زنش به من میگید ، می بایستی زودتر بری بخوابی.

Du solltest früher schlafen gehen

همانطور که می بینید باز در اینجا چون ما فعل کمکی داشتیم فقط فعل کمکی ما به Konjunktiv 2 رفت .

sollen تبدیل شد به solltest

نکته : با فعل کمکی sollten می توانیم در زمان Konjunktiv 2 جملاتی بسازیم که نصیحتی یا سرزنشی هستند.

۵. پیشنهاد

یعنی هر وقت بخواهیم به کسی پیشنهادی بدیم اونقوت می بایتسی باز به Konjunktiv 2 ببریم فعل جمله رو.

Wir könnten ins Kino gehen
ما می تونیم به سینما (در سینما) برویم.

همانطور که می بینید باز چون فعل کمکی داشتیم اون رو به Konjunktiv 2 بردیم

یعنی können به könnten تبدیل شد.

نکته : با فعل کمکی könnten می توانیم در زمان Konjunktiv 2 جملاتی بسازیم که پیشنهادی هستند.

موفق باشید.